مناظره جناب میرسعید با جناب آیدین با موضوعیت انسانیت,با مدیریت جناب رادمان



آیدین
@Spitman
last seen recently



Sh Mirsaeed
last seen recently

آیدین: هستین

آیدین: بنام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

میرسعید: بله در خدمت هستم

آیدین: درود و دوصد بدرود به همه سروران ارجمند و همراهان عزیز

آیدین: و درود فراوان به شما دوست گرامی و همگوی مهربان

میرسعید: سلام بر شما

آیدین: از اینکه زمینه گفتگو با دوستان اندیشمند فراهم میشود. بسی خرسندم

و از عزیزانی که که برای برگذاری این گفتمان ها تلاش مکنن بسیار سپاسگزارم.

و با کرنش فراوان به ایشان خسته نباشید میگویم و با سپاس فراوان از شما همراه و

همگوی مهربان هم برای این همراهی ✿✿✿✿✿✿✿✿✿

میرسعید: امید وارم بتوانیم در جهت روشن شدن حقیقت کمک کنیم

آیدین: 🙏🙏🙏.بنده سرا پا گوشم تا شما آغاز سخن کنید

بشیر سراجی: اول جناب ایدین مقدمه بگن و سوال بپرسن و بگن پایان. و همینطور تا اخر

بشیر سراجی :شروع کنید

میرسعید: فرقی ندارد شما بفرمایید اما قراره موضوع انسانیت باشه با مطلب نخست شما متوجه شدم که خدا باورید

بشیر سراجی: طرف مقابل جواب بدن و مقدمه و.جواب رو نقد کنن به سوال پاسخ بدن و سوال بپرسن و بگن پایان. وقت هر کس ده دقیقه

میرسعید: اگه میشه تعریف خودتونو از انسانیت بفرمایید

آیدین: بنده نیز امید دارم که در جهت آموختن گام برداریم

آیدین: خوب است که گاهی باور ها و اندیشه های خود را به چالش بکشیم

و از دیدگاه دیگران کمک بگیریم

و گاهی از پنجره دیگر به اندیشه های خود بنگریم

آیدین: چشم

سالار: اول جناب ایدین توضیحاتشونو بدن ، نهایتا ۱۰ دقیقه فرصت دارند، بعد از "اتمام فرمایشاتشان باید بنویسن "پایان

سپس،

طرف مقابل جواب بدن و جواب رو نقد کنن به سوال پاسخ بدن و سوال بپرسن و بگن پایان.

وقت هرکس نهایتا ده دقیقه

🙈 این ترتیب ادامه پیدا میکنه تا پایان زمان مناظره

آیدین: اگر نیاز ها و خواسته های خود را واکاوی نموده و بدرستی بشکافیم

باور بنده این است که همه به دنبال آرامش هستیم

و هرآنچه میخواهیم و بدنبال آن هستیم

نیز همه و همه تنها برای رسیدن به آرامش میباشد.

و بنیادی ترین چالشی که در راه آرامش با آن روبرو هستیم. پایان زندگی، مرگ است.

همگان بدرستی میدانند که از مرگ گریزی نیست.

نیاز ما به جاودانگی که آرامش روانی به همراه دارد با اندیشیدن درباره مرگ و ناگریزی از آن. ناسازگاری دارد.

بنابراین باور داشتن به جهان دیگر و زندگی جاودانه آرامش به همراه دارد

و در انگیزش مردم و کنار آمدن با سختی ها، ناملایمات و بیدادگری ها کمک بسیار شایانی مکند.

پیشگفتاری که آوردم برای جهت دادن

به گفتگوی ما کمک خواهد کرد.

مخواهم بگویم

اخلاق و انسانیت برای کسی که به زندگی پس از مرگ باور دارد در برابر کسی که چنین باوری ندارد.گونه ای دیگر مینماید که میخواهیم در این زمینه گفتگو کنیم.

باید ببینیم آیا باور داشتن به جهان دیگر

که سرچشمه در آموزه های دین دارد

میتواند راه درست را به ما نشان دهد

و آیا بدون دین نمیشود به آرامش رسید.

گفتگوی ما بویژه درباره دین اسلام و آموزه های دین اسلام است

بنده انسانیت و اخلاق

و اندیشه، گفتار و کردار انسانی را

با همان نیاز به آرامش که گفتم شناسایی مکنم

که از خرد همگانی و برآورده شدن آرامش و آسایش همگانی سرچشمه میگیرد.

و باید این آرامش و آسایش برای همگان فراهم شود و به آرامش و آسایش دیگران آسیب نزنیم

آیدین: پایان

رادمان: Sh m تا ۲۱:۰۰ زمان دارید

میرسعید: در گفتار شما هدف انسان ارامش بیان شده و این معنا ی بسیار گسترده دارد اول اینکه ایا ارامش به تنهایی بیان کننده نیاز انسان است و دوم اینکه ارامش چه زمانی حاصل میشود به نظر این حقیر ارامش زمانی حاصل میشود که ما بتوانیم اطمینان حاصل کنیم حقیقت را شناختیم و زندگی فردی وجمعی خود را بر اساس ان حقیقت چیدمان کردیم

میرسعید: و موضوع دیگری که در اینجا پیش میاید این است که ایا اگر اون حقیقت هم تلخ باشد باز ارامش حاصل میشود

رادمان: :لطفا پس از پایان تایپ کنید🙏

میرسعید: پس ممکن است ما به این نتیجه برسیم که ارامش هم از نظر افراد و گروههای مختلف متفاوت پیگیری شود دقت شود که نگفتم متفاوت معنا بشود بلکه متفاوت پیگیری شود مثلا کسی که به دنیای دیگر و خدا اعتقاد پیدا نکند برای خود ارامشی فقط در این دنیا و این عمر محدود را برنامه ریزی نماید در حالی که این نو.ع ارامش از نظر فردی که حقیقت را در گسترده تر بودن هستی و فراتر بودن ان از این عالم میداند ارامشی ناقص و یا حتی ضد ارامش باشد

میرسعید: پس میتوان نتیجه گرفت که ارامش مانوس است با شناخت حقیقت

رادمان: آیدین

رادمان: تا ۰۰:۳۱

میرسعید: و ارامش را میتوان با توجه به حقیقتی که شناخته ایم در نظر بگیریم

رادمان:آیدین:

مسلمانان را چنین باور است که چون دین نباشد اخلاق هم به تباهی میرود و به سیاهچال پلشتی افتاده و در گنداب و باتلاق زشتی و پلیدی فرو میرود.

حال اینکه اون حقیقت تلخ باشد

کدام یک را تلخ بدانیم

اینکه

مرگ پایان زنگی هست یا نیست

هرکدام را بگویید تلخ است باید بررسی کنیم:

رادمان:آیدین تا ۰۰:۳۱

میرسعید: انچه که اینجا ایجاد میشود این است که برنامه ریزی برای ارامش در شناختهای مختلف از حقیقت متفاوت میشود

آیدین: بنده نگفتم هدف انسان آرامش است بلکه گفتم اگر همه خواسته هایمان رو واکاوی کنیم و بشکافیم(=مقنح کنیم)

همه و همه

مانند خواستن خانه بزرگ و خودروی پیشرفته. زندگی برخوردار و شاهانه.

پیشه خوب و آبرومند و پر درآمد

وووووو

همه در نیاز ما به آرامش و آسایش است

نیاز ما این است

نه آرمان ما

و اینکه دستیابی به درستی و فراچنگ آوردن آنچه که هست و هست

که شما بدان حقیقت گویید

راه به آرامش رسیدن است را بنده نمیپذیرم

بلکه دانستن بودها و هست ها

جهان بینی و روش ما را در برآورده کردن نیازمان به آرامش فراهم مکند

آیدین: و تلخی را هم روشن کنید

و

رادمان: Sh m تا ۰۰:۴۱ زمان دارید

آیدین: اینکه کسانی که باور به جهان دیگر ندارن با آنها که دارن روشهای گونه گون دارن درست است

اما اینکه گمان کنیم چون گروه نخست

باور ندارن پس در حوزه بسته تر هستن و ناتوان تر را باید بررسی کنیم

آیدین: و آرامش با شناختن و جهان بینی بدست نمیاید

بلکه در روش ما برای رفتار مان رهگشاست

سالار: 🙏 جناب ایدین وقتتون تمومه

میرسعید: ببینید این نوع نگاه که ما دنبال امکانات و خانه و زندگی مرفه و شاهانه و در کل امکانات مادی هستیم و انها را برای رسیدن به ارامش دنبال میکنیم نوعی از نگاه به ارامش میباشد و درواقع سطح خاصی از شناخت انسان را به این نوع نگاه می رساند در حالی که ممکن هست بلکه قطعا انوع دیگری از شناخت ونگاه ممکن است انسان را برای رسیدن به همان ارامش واسودگی در مسیری دیگر و به دنبال خواسته های از نوع دیگر بکشاند پس نمیشود گفت هدف نهایی الزاما یکیست و قطعا نقش جهانینی و شناخت از حقیقت در در شکل گیری نوع ارامش و نوع رفتاری که می تواند انسانی را به ان ارمانی که از

حقیقت شناخته شده اش تعریف میشود برساند

میرسعید: در ضمن نمی توان باور داشت که بدون شناخت حقیقت و مطابقت دادن زندگی خود با حقیقتهای موجود در عالم هستی بتوان خیال اسوده داشت و به ارامش رسید

میرسعید: بنده نظرم این است که برای تعریف ارمانها ومعیارهای انسانی و ارزشی الزاما نیاز به شناخت حقیقت داریم

میرسعید: برای م ثال اگر من بدانم اعدامی هستم و این حقیقت را درنظر نگیرم و تلاشی برای رهایی از ان نکنم و به زندگی چند روز و قشنگ کردن ان چند روز فکر کنم ارامشی کاذب خواهم داشت چون حقیقت را در نظر نگرفتم یا اگر بیمار باشم ودرمان نکنم همینطور

میرسعید: در کل اعتقاد این حقیر این است که شناخت حقیقت لازمه رسیدن به ارامش هست

رادمان: جناب آیدین

تا ۰۰:۵۱ زمان دارید

آیدین: عزیزم بنده گفتم بدنبال خانه و خودرو بودن و حتی بدنبال دادگری و آزادی بودن

را اگر واکاوی کنین در آن نیاز ما به آرامش نهفته است

خوب نمیخوانید

میرسعید: نظرم با توجه به همین بیان عرض کردم حتی همان ازادی و دادگری را به اون نیازهای مادی و رفاه جمع ببندیم هم در سطحی از نگاه از حقیقت قرار میگیرد

سالار: 🙏 لطفا در زمان خودتون پاسخ بدین

میرسعید: ببخشید خواستم کامل کنم تا ادامه مطلب ایشون با شناخت بهتر از نظر بنده بیان بشه

آیدین:نمیوان باور داشت؟

چه چیز را؟

بزرگوار

شناخت ما از پیرامون و جهان هستی و برداشت ما هرچه باشد برای ما راه و روش ارمغان دارد.

همین

حال کسی که برای رسیدن به بهشت برنامه ریزی مکند.

ناچار است رفتارش را با آموزه های دین همسو کند. و دیگر خود نمیتواند برای آن اندیشه و ایده ای بدهد

بلکه باید پیروی کند

رسیدن به بهشت انگیزش است

و ترس از جهنم هم اهرم

و باز پیشرفته ترش شادمانی و خشنودی خدا

.اینجاست که فرد خوبی و بدی را در حوزه دستورات دین میشناسد

.و پاسخش در برابر چرایی رفتارش

.فرمان خداوند است

چرا چهار همسر بگیریم

چرا ازدواج با محارم بد است

چرا پیش تر ها خوب بود

چرا کنیز داری بوده

چرا نماز بخوانیم

چرا روزه بگیریم

چرا دست قطع کنیم

چرا سنگسار

چرا قصاص

چرا و چرا و چرا

چون خدا گفته

دروغ و دزدی بد است

چون خدا گفته

و اینجا در دادگاه الهی بیداد گری و رشوه هم هست

شما هر جنایتی بکن ولی اشک بر حسین پاک مکند

شما هر چه خوب باشی مهر علی نداری پس هیچ است

سالار:🙇 جناب ایدین وقتتون تمومه

شما تا Sh Mirsaeed جناب

01:04

وقت دارین 🌹

آیدین: و اما از دید دگر اندیشان و ناباوران به زندگی پس از مرگ را بررسی کنیم

آیدین:پایان

میرسعید: دقیقا پیدا کردن اینکه چه چیز درست است چه چیز نا درست است و چه چیزی ارزش پیگیری دارد و چه ندارد و اینکه کدام راه را رفتن انسان رو به سعادت میرساند . حال هر نوع سعادتی که شناخته ایم . همه اینها در سایه شناخت حاصل میشود ایا گریزی از حقیقت هست . ایا میتوان خدای که وجود دارد اگر وجود داشته باشد . حقیقتی به این بزرگی را میتوان نادیده گرفت هرگز نمی توان .

خب دین باورها هم بر اساس شناختی که نسبت به حقیقت از نظر خودشان پیدا کرده اند ارمانهای خود را چیدمان کردن و خوشبختی خود را در رسیدن به ان ارمانها دیدن و زمانی خود را در ارامش احساس خواهند کرد که خود را در مسیر رسیدن به ان ببینند . شما شاید پیش خود فکر میکنید دین باورها بدون فکر و اندیشه و تحقیق این باور را انتخاب کردن و پیرو همین باور تبعیت از احکام دین را ناچاری بدون فکر تصور میکنید . در حالی که در ارزیابی تفکر هر مکتبی عوام حجت نیست و در برسی رفتار دین باوران باید اصل موضوع را در نظر گرفت زیرا دین باوران حقیقی باید مراحل شك و تحقیق را پیموده باشن و قبل از اطاعت از احکام که ممکن است تعبدی هم باشد تعقلی اون مکتب را انتخاب کرده باشن . هر چند که ما در باور دینی

خود شناخت حکمت وفلسفه احکام را در دستور داریم زیرا انرا موجب محکم شدن و فعالتر شدن در اجرای ان میدانیم و این رویه بررسی نتیجه رعایت احکام و عدم رعایت ان در محافل دینی امری رایج است.

میرسعید: ما در بررسی های خود از دو رفتار اخلاق بر پایه دین و رعایت احکام ومقایسه ان با دیگر رفتارها بارها به این نتیجه رسیده ایم

رادمان: 👈 دوستان راند پایانی این جلسه 💥

🙏سعی کنید به جمع بندی برسید

جناب آیدین تا ۱:۱۶

میرسعید: اما در اینجا جدای از اینکه چه کسی چه باوری دارد در حال بررسی پایه های اصولی و صحیح رفتار انسانی هستیم

میرسعید: پایان

آیدین: چهار دفیقه بیشتر شد

رادمان:شما ۴دقیقه بیشتر دارید میتونید الان استفاده کنید میتوانید به عنوان آخرین بحث مناظره

آیدین: دوست من تا من تایپ مکنم

شما

یک تلخی رو که گفتین روشن کنید

دوم

تقلبی از دوستی رسید که از شما بخواهم

حقیقت رو هم بدرستی و شفاف بیان کنید

یعنی تعریف کنین

رادمان: البته فکر میکنم دقیق ترش ۳دقیقه باشد

چون قبلا استفاده شده بود یک دقیقه بیشتر

آیدین: دوست من

شما پاسخ ندادین که چطور میتوانید خودتان درباره رفتار و دستورات دین اندیشه کنید.

مگر شما حق انتخاب در انجام احکام دین دارید

اسلام یعنی تسلیم

نکته همینجاست

مسلمانان در گفتگو همیشه میگوین

نخست الله رو باور کنیم

سپس اسلام و محمد و قرآن

سپس دستورات

در صورتی که شما دیگر بررسی نمیتوانید بکنید

شما باید گردن بنهید و بس

مانند جریان کنیز

نمیتوانید بگویید غلط است و من قبول دارم

چون این سخن یعنی ایستادن روبروی دین

پس باید داستان سرایی و توجیه

اتفاقا همین برداشتهای شخصی افتراق امت ایجاد کرده

هرکس از دید خود اسلام رو ا

تعریف مکند

انواع شیعه و سنی و صوفی و عارف و فیلسوف

چرا چون بین وجدان و خرد و آموزشهای اجتماعی و فرهنگی با آموزه های دینی همیشه جنگ و نبرد است

زمانی برده داری ضد ارزش نبود

سنگسار زشت نبود

حالا تمدن باعث زشت شدن شده

پس باید تعریف سکولاری داشته باشیم

آیدین: نا پایان

ولی زمان پایان

رادمان:Sh m

👆به عنوان سخن پایانی این جلسه

تا ۱,۲۹زمان دارید

میرسعید: حقیقت تعریفش روشن است انچه که وجود دارد انچه که وجود دارد و بر ما اثر گذاشته یا میگذارد یا خواهد گذاشت . در حال حاضر داریم بیان میکنیم که چیدمان و تعریف خوشبختی و رفتاری که انسانی و درست است با توجه به چه معیار پایه ای باید تعریف شود . و بنده عرضم این بوده با توجه به

شناخت حقیقت .   و هنوز بر سر

اینکه حقیقت حاکم چیست گفتگو نکردیم در واقع در حال بیان این موضوع

هستم که الزوما نمی توان بدون توجه به حقیقتهای موجود وحاکم بر انسان

تعریفی مشترك از رفتار انسانی و درست داشت زیرا نگاه به هستی بر پایه

شناختهای مختلف از حقیقت تعاریف مختلفی را به همراه خواهد اورد .

پس بنظر میرسه که باید مبانی مورد قبول خود را برای

شناخت معیارهای رفتار انسانی مطرح وارزیابی کنیم

میرسعید: عرض کردم که اطمینان به درستی احکام برای یک دین مدار چه

زمانی حاصل میشود زمانی که اون دین مدار اصل دین خود را بر اساس شناخت

و تحقیق انتخاب کرده باشد و ادله لازم برای درست بودن مبانی ان را شناخته

باشد و بعد به باور رسیده باشد و وقتی به اصل ریشه باور خود اطمینان حاصل

کرد اینبار باید به رسیدن درست احکام از منبع انتخابی خود اطمینان پیدا کند

اینگونه صحت و کاربردی بودن و مفید بودن ان حکم بر وی اثبات میشود

آیدین:البته گفتار شما در تعریف حقیقت

یک گفتار همگانی هست

و تعریف درستی نیست

چون روشنگر و رهنمون نیست

میرسعید: اما ما برای تمام احکام خود حکمت قائل هستیم و انها رو غیر حکیمانه نمی دانیم و همیشه در پی کشف ان حکمتها بوده ایم و امروزه دقیقا اثار دوری از ان احکام برای بشر روشن شده

میرسعید: اما به نظر بنده اصل موضوع چیز دیگریست و ان این است که مبانی درست برای شناخت رفتار انسانی موفق و خوشبخت کننده فرد و اجتماع چه باید باشد

میرسعید: ما بر اساس چه چیز می توانیم به این شناخت برسیم که کدام رفتار درست و انسانی است و برای افراد و جوامع مفید است

میرسعید: چه معیاری معیاری است که انسان رو به اطمینان میرساند که انتخاب و پایداری بر یک رفتاری مطابق با حقیقت است و خوشبخت کننده انسان وانسانها

میرسعید: مبانی رفتار انسانی از کجا کشف میشود و از کجا می توان به این اطمینان رسید که این شناخت درست است

میرسعید: پایان

آیدین:و بنده گفتم که

هر دو دیگاه باور به زندگی پس از مرگ و اینکه مرگ پایان زندگی است رو بررسی مکنیم

پس در اینجا دیگه خردمندانه نیست بیشتر بمانیم

بهتر است دو باور رو به چالش بکشیم

که بنده با بیان گزاره هایی

گفتم آیا دین اسلام میتواند برای زندگی ما آرامش و آسایش بیاورد یا نه

و چگونگی آن رو به چالش بکشیم

چون باور بنده ناتوانی دین و بدتر از آن که حتی گرفتن آرامش است

چون مسلمان دستور های دینی ویژه ای دارد که دیگران رو دشمن خود و خدا میداند

و خدا رو هم برای خود و در مصادره خود میبیند

و در این راستا به خود اجازه میدهد

جزیه بگیرد

مرتد را اعدام کند

کنیز و غلام داشته باشد

و با پول شهروندان نا مسلمان کارهای ویژه دین خود را انجام دهد

مسجد بسازد

برای چای دادن و زنجیر زنی و نماز راه بندان کند

اینها روبروی اررش است

و حتی کسانی که دوستدار مولا نباشن را حرام زاده بداند

کافر را نجس بداند

وووو و

آیدین: و آثار زیانبارش هم روشن شده

آیدین:خوشبختی بشر در سایه همزیستی و خردورزی و مهربانیست

البته از دید ناباوران به جهان دیگر هنوز بررسی نکرده ایم اخلاق و حوزه آن را

بشیرسراجی: ایدین جان پایان

میرسعید: خب این مبحث به صورت رسمی در شب قرار بعدی برسی میشود